

سیاست بازرگانی در ایران عصر صفوی

ابریشم در برابر نقره ۱۷۳۰ - ۱۶۰۰*

• نوشته: اندرو جی. نیومن

دانشگاه ادینبورگ

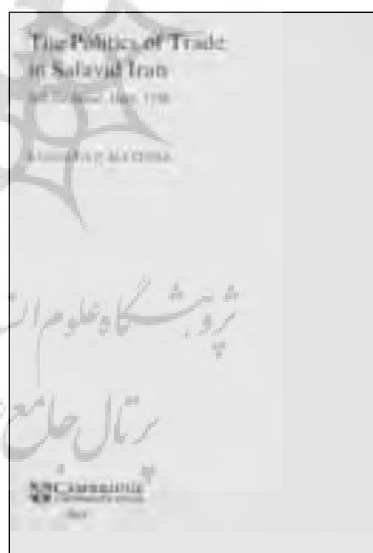
• ترجمه: ابوالحسن مبین

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد

و منابع اولیه اظهار تاسف کرده‌اند. در حالی که مراجعه به بایگانی‌ها، امکان درک بسیار زیادی از جزئیات زندگی اجتماعی - اقتصادی عثمانی‌ها را مهیا می‌سازد؛ اما در مقابل به عنوان مثال غارتگری افغان‌ها در اصفهان و سایر وقایع ناگوار، منابع اولیه ایرانی مشابه آن را منهدم کرده است.

رودی متی در پایان نامه دکتری خود به سال ۱۹۹۱ م. از دانشگاه کالیفرنیا با عنوان سیاست و تجارت در اواخر دوره صفوی، و در مجموعه مقالات خود در مورد جنبه‌های گوناگون تاریخ اجتماعی - اقتصادی و سیاسی دوران صفوی، و در حال حاضر در این کتاب، با بررسی تغییرات سریع دوره‌های مختلف تجارت ابریشم و شمش (طلا و نقره)، منابع اصلی موضوعاتی را که تاریخ‌شناسان دوران صفوی می‌توانند از هم دوره‌های عثمانی خود پیشی بگیرند، مشخص کرده است. از آن مهمتر اینکه او بر اساس این منابع، علاوه بر اینکه شناخت جدیدی از اوضاع اجتماعی - اقتصادی عصر صفوی به دست می‌دهد، تغییر شرایط اوضاع ایران را در پیوند با اوضاع آسیا و اروپای شرقی و غربی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد این موضوع به گونه‌ای موفقیت‌آمیز درک عمومی متداول از دوره صفویه را که در اوایل قرن بیستم ریشه دارد، تغییر داده و به چالش کشانده است.

با استفاده از اسناد کمپانی هند شرقی انگلیس و هلند، منابع روسی و فرانسوی، گزارشات کارملیت‌ها، گزارشات سیاحان خارجی، وقایع نگاران درباری ایران و جوازهای فروش ابریشم، امکان بررسی و مطالعه تعاملات مربوط به ساختار سیاسی و اوضاع



- The politics of Trade in safavid Iran, silk for silver 1600- 1730
- Author: Rudolph p. Matthee.
- publisher: Cambridge university press, cambridge, 1999.

برخلاف همکاران عثمانی‌شناس ما، تاریخ پژوهان ایران عصر صفوی (۱۱۳۵ - ۹۰۷ هـ. / ۱۷۲۲ - ۱۵۰۱ م.) همیشه از کمبود مدارک

نقشه مسیرهای تجاری
ابریشم میان ایران و اروپا -
قرن هفدهم میلادی



«رودی متی» در آثار خود با بررسی
تغییرات سریع در دوره‌های مختلف
تجارت ابریشم و شمش (طلا و
نقره)، منابع اصلی موضوعاتی
را که تاریخ‌شناسان دوران
صفوی می‌توانند از هم
دوره‌های عثمانی خود
پیشی بگیرند، مشخص
کرده است

«متی» در تدوین کتاب خود
از اسناد کمپانی هند شرقی
انگلیس و هلند، منابع روسی و
فرانسوی، گزارشات کارملیت‌ها،
گزارشات سیاحان خارجی، وقایع
نگاران درباری ایران و جوازهای فروش
ابریشم استفاده کرده است

این زمان تهدید بزرگی برای براندازی او از اوج قدرتش بودند. هم‌چنین احتیاج شاه به بررسی تهدیداتی که از جانب عثمانی‌ها در غرب و ازبک‌ها در شرق وجود داشت. پیامد این‌گونه اصلاحات داخلی برای شاه عباس گران تمام شد و اوسعی در پیشرفت و ترفیع تجارت، به ویژه تجارت با اروپایی‌ها داشت. به خصوص برای افزایش تجارت ابریشم، شاه عباس ارامنه جلفا را به اجبار به اصفهان منتقل کرد. جهت یافتن بازارهای فروش برای ابریشم ایران به ابتکارات دیپلماتیک دست زد و در سال ۱۰۲۸ هـ. / ۱۶۱۹ م. نوعی امتیاز انحصاری در مورد صادرات ابریشم مرسوم نمود. او به خصوص به شرکت‌های هند شرقی انگلیس (EIC) و هند شرقی هلند (VOC) که به تازگی به خلیج فارس وارد شده بودند، ابراز علاقه می‌نمود.

فصل چهارم نشان می‌دهد که ارامنه به طور مسلم انتقال‌دهندگان اولیه ابریشم از ایران به بخش‌های لوانت (Levant: بنادر شرقی دریای مدیترانه) عثمانی بودند و بازرگان مستقل در صحنه اقتصادی باقی ماندند. اما شاه علاقه و تمایل شرکت‌های EIC و VOC را در خریدهای قراردادی ابریشم، به منظور تلاش در جهت تولید عایدات و درآمد منظم‌تر برای دولت، تقویت می‌کرد. منافع این دو با هم تطابق داشت، اما خیلی بیشتر از نگرانی برای افزایش نفوذ دیگران در تجارت، نگرانی برای محدود کردن بازار ابریشم ایران وجود داشت، که دارای بهترین بازار جهانی هم نبود. هر کدام از این شرکت‌ها امیدوار بودند با پرداخت منافع حاصل از تجارت کالاها قابل واردات، از ابریشم ایران بهره ببرند،

اقتصادی در اوایل دوره جدید ایران برای متی فراهم شد (ص ۷) و سپس درک و فهم نقش «دولت»، «حاکمان آن»، «نخبگان محلی و ناحیه‌ای»، «بازرگانان ارمنی» و «شرکت‌های تجاری خارجی»، که همگی به عنوان بازیگران و عوامل صحنه در معادلات دوران صفوی نقش داشتند و حتی در پیشرفت بازار در سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی، به عنوان یک ایفاگر نقش موثر بوده‌اند، تسهیل گردید. حتی در این روایت به گونه‌ای موفقیت‌آمیز به هر بازیگری نقشی داده که اهدافشان اغلب در تضاد و ناسازگاری بایکدیگراست. فصل اول، پرورش ابریشم، تولید و تجارت آن در ایران و منطقه و اهمیت آن را برای اروپا در اواخر دوره قرون وسطی و با توجه مخصوص به قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی بازمینی و بررسی می‌نماید. این محصول هم از مسیرهای تجارتی بین النهرین و آناتولی و هم در محور طول جغرافیایی وسیعی از خلیج فارس تا روسیه برای رساندن آن به اروپا عبور داده می‌شد.

فصل دوم، مراحل تولید ابریشم را با موضوعاتی چون درجات و گوناگونی انواع ابریشم، نحوه قیمت‌گذاری، بازده حقیقی و صادرات و به علاوه نحوه خرید و فروش و شیوه‌های جابه‌جایی و حمل و نقل آن را با تمرکز ویژه بر قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی بررسی می‌کند.

فصول سه و چهار، با از سرگیری روایت تاریخی دوره حکومت شاه عباس اول (۱۰۲۸ - ۹۹۶ هـ. / ۱۶۲۹ - ۱۵۸۷ م.) ادامه می‌یابد. او به نیاز شاه جهت کاهش قدرت ائتلاف قبیله‌ای قزلباش اشاره می‌کند، که اساس قدرت نظامی صفویه را تشکیل می‌دادند، ولی در

شاه عباس برای افزایش تجارت ابریشم، ارامنه جلفا را به اصفهان منتقل کرد. جهت یافتن بازارهای فروش برای ابریشم ایران به ابتکارات دیپلماتیک دست زد و در سال ۱۰۲۸ هـ. / ۱۶۱۹ م. نوعی امتیاز انحصاری در مورد صادرات ابریشم مرسوم نمود

موقعیت خود در میان این اوضاع بحرانی بپردازند. رودی متی اظهار می‌دارد که ایران صفوی نه یک دولت، «مرکانتلیست» (بر پایه اقتصادسوداگری)، و نه یک دولت با اقتصاد «فرمانروا» بود، آن‌طور که نویسندگانی چون ادوارد براون، ولادیمیر مینورسکی و لارنس لاگهارت به طور ضمنی اظهار داشته‌اند. آن‌ها درست با تمرکز بر روی نقاط ضعف دولت، به قدرت شخصی پادشاه اشاره نموده‌اند. در واقع این مولفین پیشین گویا در مطالعات تاریخی صفویه از بررسی زمینه‌های سقوط اصفهان (پا را فراتر ننهاده‌اند). در این گونه بررسی‌ها فرض بر این است که زوال بازگشت‌ناپذیر دولت پس از مرگ شاه عباس اول در ۱۰۳۸ هـ. / ۱۶۲۹ م. آغاز شده است. حداقل برای براون، این یکی دیگر از حوزه‌های مرسوم در تاریخ حکمت و دانش نیز هست. (ص ۱۰) متی نیز به طور مستقیم یک تحلیل شخصیتی به سبک قدیم ارائه می‌کند، حتی یادآور می‌شود که آخرین شاهان صفوی در سایه قرار داشتند. او تلاش‌های وزیران اعظمی چون محمد بیگ (۱۰۷۲-۱۰۶۴ هـ. / ۱۶۶۱-۱۶۵۴ م.) و شیخ علی خان زنگنه (۱۱۰۰-۱۰۸۰ هـ. / ۱۶۸۹-۱۶۶۹ م.) را برای قطع ریشه‌های پیچیده بحران‌های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی که به طور فزاینده‌ای حکومت را احاطه کرده بود، برجسته می‌نماید. او سپس اظهار می‌دارد که صفویان ایران یک دولت «مالی - نظامی» (ص ۲۳۲)، با هدف تضمین و بیمه کردن بقای خود در برابر دشمنان داخلی و خارجی به وسیله حداکثر کنترل بر مازاد درآمدها بودند. اما انجام چنین کار دقیقی توسط گروهی از بازیگران داخلی و خارجی انجام می‌گرفت. قراردادهای و نتایج آن‌ها که بر اساس گفتگو به دست می‌آمد، برای دستیابی به تعادلی همه‌جانبه در منافع بود. در غیاب توافق عمومی آن سیاست نمی‌توانست دوام داشته باشد. در حقیقت متی تنها به بررسی اقتصاد دوره صفویه نمی‌پردازد، بلکه یک بررسی طولانی از ماهیت طبیعی اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر صفوی ارائه می‌نماید. هم‌چنین این کتاب به معنای واقعی کلمه سهم و نقش مجموعه‌ای از عوامل و الگوهای ارائه می‌دهد که برای هر تحقیقی که در آینده درباره اوضاع ایران عصر صفوی صورت بگیرد و قصد آن یک بررسی و تحلیل همه‌جانبه از این دوره باشد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

* این مقاله برگرفته از سایت اینترنتی زیر است:

www.biblio theca persica.com / articles / v9f2 / v9f2223.htm1.

اما هر کدام خیلی زود دریافتند که تلاش آن‌ها برای کنترل آشکار سیاسی ایران و یا یافتن انحصار در تجارت ایران بی‌فایده است؛ چون ایران برخلاف سایر کشورهای شرقی دارای حکومت مرکزی قوی بود و رقابای محلی قدرتمندی نیز در بین بازرگانان ارمنی وجود داشت.

فصل پنجم تا هشتم توسعه در تجارت ابریشم را از مرگ شاه عباس در ۱۰۳۸ هـ. / ۱۶۲۹ م. تا ۱۱۴۲ هـ. / ۱۷۳۰ م. یعنی هشت سال پس از تسخیر اصفهان توسط افغان‌ها، دنبال می‌کند. شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ هـ. / ۱۶۴۲-۱۶۲۹ م.) چون با خزانه خالی مواجه شد، انحصار تجارت ابریشم را آزاد کرد. ارامنه جلفا و مسیره‌های ارتباطی تجارت آن‌ها با لوانت، بیشترین منفعت را از سیاست جدید بردند. در همان حال دولت به تلاش خود برای تنظیم روابط تجاری با شرکت‌های خارجی ادامه داد. پیمان صلح منعقد شده در سال ۱۰۴۸ هـ. / ۱۶۳۹ (صلح ذهاب) با باب عالی که سرآغاز دوره‌های طولانی از صلح بین دو کشور بود، فقط تجارت لوانت (بنادر شرقی دریای مدیترانه) را برانگیخت که منافع ارامنه را افزایش می‌داد. EIC با تمرکز بر روی ابریشم بنگال، تمام خرید ابریشم از ایران را پس از سال ۱۰۵۰ هـ. / ۱۶۴۰ م. متوقف نمود. هلند به طور مداوم سعی داشت از طریق مذاکره و عقد قرارداد، معافیت از پرداخت عوارض داخلی و معاوضه کالاها (نظیر فلفل و ادویه) در ازای ابریشم را به دست آورد. هلند برای بازپرداخت این‌گونه تجارت سرانجام صادرات نقره را آغاز کرد و درآمدها را برای واردات صرف کرد. شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷ هـ. / ۱۶۹۴-۱۶۶۶ م.) با خزانه تهی شده‌ای که نتیجه جنگ‌های طولانی سابق بود، روبه‌رو شد. هم‌چنین وی با تقلیل درآمد حاصل از تبدیل املاک ممالک (اراضی دولتی) به املاک خاصه (اراضی سلطنتی)، و کاهش واردات نقره مواجه گردید. در این حال صادرات در حال افزایش نقره فقط بحران‌های مالی و اجتماعی را افزایش می‌داد. بازار در حال رشد ابریشم هندی به خطر جدی کاهش و برگشت سرمایه و علاقه برای ابریشم ایران منجر گردید. ارامنه جلفا به طور پنهانی امکان اعاده تجارت از طریق روسیه را بررسی می‌کردند، اما در واقع علائق آن‌ها در مسیرهای سنتی لوانت (مسیر آنتولی و عراق و سوریه) قرار داشت.

با وجود وضع عوارض سنگین، ارامنه جلفا در زمان سلطنت شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵ هـ. / ۱۷۲۲-۱۶۹۴ م.) نیز پیشرفت کردند، اغلب به دلیل تقلیل قدرت مرکزی که فرصت‌های بیشتری را برای از کار انداختن قوانین و احکام اضافی فراهم می‌کرد. دولت نیز نتوان از بررسی بی‌قانونی‌ها و فساد در حال افزایش بود و در واقع مقامات رسمی دولتی خود در این کارها شرکت داشتند تا به تحکیم